بسم‌الله الرحمن الرحیم

[اجرای حدود در زمان غیبت 2](#_Toc432216731)

[مرور بحث گذشته 2](#_Toc432216732)

[نظریه فقهاء در این باب 2](#_Toc432216733)

[نظریه آقای خوانساری 2](#_Toc432216734)

[مقصود از قدرت در این مقام 3](#_Toc432216735)

[جمع‌بندی 3](#_Toc432216736)

[اشتراط قدرت عرفیه 3](#_Toc432216737)

[نوع خطاب در حدود 3](#_Toc432216738)

[نظریه آقای تبریزی 4](#_Toc432216739)

[استدلال با مفروضیت حدود 5](#_Toc432216740)

[جمع‌بندی 5](#_Toc432216741)

# اجرای حدود در زمان غیبت

# مرور بحث گذشته

مسائلی باقی‌مانده که جسته‌وگریخته در بین کلمات فقها مطرح است ولی ما مطرح نکردیم یا اینکه کمتر یا کمرنگ مطرح است، که آن‌ها را در پایان مباحث مطرح نمودیم، گرچه هر یک از آن‌ها باید در جای مناسب خودش قرار بگیرد. یکی دیگر از مسائلی که قبلاً هم اشاره کردیم و می‌خواهیم تکمله ای نسبت به آن داشته باشیم، این بود که آیا در زمان غیبت و عدم حضور ائمه معصومین علیهم اجمعین حدود باقی است و استمرار دارد و باید اجرا شود، یا اینکه وظیفه اجرای حد مخصوص به زمان معصوم است؟

## نظریه فقهاء در این باب

 به‌عبارت‌دیگر آیا در اجرای حدود حضور امام معصوم سلام‌الله‌علیه شرط است، یا اینکه نه در زمان غیبت هم باید اجرا گردد و تعطیل نمی‌شود؟ در این مسئله نظر مشهور و غالب فقها، اگر نگوییم اجماع از آن‌ها، این است که نه، حدود اختصاص به زمان معصوم ندارد و در زمان غیبت هم وجوب اجرای حد و اطلاقات باقی است و وظیفه اجرای آن‌هم بر حاکم شرع و فقهاست.

## نظریه آقای خوانساری

قبلاً گفتیم که غالب فقها این را می‌گویند، بعضی هم در این تأملی دارند ازجمله در بین معاصرین ما مرحوم آقای خوانساری در همین جامع المدارک نظر مخالفی داده است و میل به آن قول دوم پیداکرده است که اجرای حدود مخصوص زمان ائمه است و در زمان غیبت برای اجرای حدود وجهی وجود ندارد.

 این بحث را ایشان در ضمن بحث حد زنا در جامع المدارک است که ظاهراً چاپ‌های جدید نداشته باشد و در جزء هفتم صفحه پنجاه‌وهفت، ایشان آن نظر را ارائه کردند، در نقطه مقابلش هم من این را الآن پیدا نکردم از کتاب آقای تبریزی قول غالب فقها و مشهور فقهاست در اینکه حدود، به زمان حضور امام اختصاص ندارد و در زمان غیبت هم حدود ثابت است.

## مقصود از قدرت در این مقام

البته کسانی که قائل‌اند به ثبوت حد در زمان غیبت طبعاً آن را مشروط می‌دانند به قدرت و بسط ید فقیه، چون اجرای حد، بسط ید می‌خواهد، این بسط ید که در کلمات فقها هست درواقع، به همان قدرت بر اجرای حد برمی‌گردد چراکه وقتی فقیه قدرت و بسط ید نداشته باشد طبعاً تکلیفی بر آن نیست.

## جمع‌بندی

بنابراین این بسط ید که می‌گویند در حقیقت همان قدرت است. منتها قدرت به‌کل شیء بحسبه است، قدرت بر تکلیف شخصی حدی از قدرت لازم دارد، ولی در مواردی که می‌خواهد شلاق بزند، اعدام و یا حبس کند، طبعاً قدرت متناسب خودش را می‌خواهد.

## اشتراط قدرت عرفیه

لذا باید قدرت عرفیه وجود داشته باشد به‌جای تعبیر به قدرت عرفیه در کلمات فقها آمده که فقیه باید بسط ید داشته و قدرت داشته باشد تا بتواند اجرای حد کند، طبعاً وقتی‌که نتواند ساقط می‌شود، نه از باب اینکه اصلاً حد برای زمان حضور است بلکه از جهت اینکه قدرت ندارد مثل سایر تکالیفی که همیشگی و ابدی است، ولی وقتی قدرت نداشته باشد طبعاً از او ساقط می‌شود. و ازجمله کسانی که قائل‌اند حدود به زمان غیبت اختصاص ندارد، آقای تبریزی هستند که در همین جلد حدود و تعزیرات، صفحه 161 از آن بحث کرده‌اند.

## نوع خطاب در حدود

اجرای احکام از اموری است که به همه مکلفین سپرده‌شده است. لذا خطاب امری نبوده که تنها در حاکم منحصر گردد. اما با دلایلی که سابقاً ذکر شد، حدود از مواردی نیست که بتوان گفت به فرد افراد جامعه سپرده‌شده است، بلکه حق اجرای آن بر عهده حاکم است.

البته مهمی که در اینجا وجود دارد این است که وظیفه حاکم بودن در مقام ثبوت به دو صورت می‌شود تفسیر شود؛ یکی اینکه تنها وظیفه حاکم است حد را اجرا کند و فرد دیگری در این زمینه وظیفه‌ای ندارد. اما احتمال دوم این است که وظیفه حاکم است و هر فرد وظیفه دارد در برپایی این حکومت بکوشد.

این‌یکی از مباحث پراهمیتی است که در بحث ولایت‌فقیه نیز اثرات خاص خود را به دنبال دارد.

## نظریه آقای تبریزی

نظریه‌ای که ایشان در این باب دارند از چند مقدمه تشکیل‌شده است؛

حدود نیز مانند سایر خطابات اطلاق دارند، هم به خاطر این اطلاقات و هم ادله منفصله‌ای که در این جهت وجود دارد. این خطابات تا روز قیامت بر پا خواهد بود چراکه؛

**«عَلِی بْنُ إِبْرَاهِیمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی بْنِ عُبَیدٍ عَنْ یونُسَ عَنْ حَرِیزٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع- عَنِ الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ فَقَالَ حَلَالُ مُحَمَّدٍ حَلَالٌ أَبَداً إِلَی یوْمِ الْقِیامَةِ وَ حَرَامُهُ حَرَامٌ أَبَداً إِلَی یوْمِ الْقِیامَةِ لَا یکونُ غَیرُهُ وَ لَا یجِی‌ءُ غَیرُهُ وَ قَالَ قَالَ عَلِی ع مَا أَحَدٌ ابْتَدَعَ بِدْعَةً إِلَّا تَرَک بِهَا سُنَّةً.»[[1]](#footnote-1)**

مقدمه دوم کلام ایشان این است که حدود برخلاف تکالیف عبادی امری است که نمی‌توان به آحاد جامعه سپرد. و مقدمه سوم اینکه ما نسبت به فقهاء نصب عامی داریم، ولو فی الجمله و نه در حد ولایت مطلقه باشد.

## استدلال با مفروضیت حدود

بنابراین زمام حدود در زمان غیبت به فقها سپرده‌شده است. این یک رویکرد و یک دلیل است، دلیل دومی که می‌شود اینجا اقامه کرد این است که قضیه را به‌عکس کنیم و بگوییم حدود باید اجرا شود و این حد را هم همه‌کس نمی‌تواند اجرا کند. بنابراین باید فقها که قدر متیقن این امر هستند، این ولایت و اختیار را داشته باشند نه اینکه ولایت‌فقیه را در مقدمه استدلال اخذ کنیم بلکه بحث حد را یکی از ادله ولایت‌فقیه قرار بدهیم.

 این چیزی است که در بحث اثبات ولایت‌فقیه مطرح‌شده است، گاهی می‌گویند که با خود ضرورت و وجوب اجرای حد که می‌دانیم کار همه نیست اثبات می‌شود که باید فقها یعنی کسانی که دارای این ولایت هستند متکفل امر شوند، چون تکلیف داریم و ابدی است و این تکلیف نمی‌شود، شامل همه بشود بلکه شامل یک عده خاصی می‌شود که آن عده خاص هم قدر متیقن شان‌ همین فقها هستند.

## جمع‌بندی

 پس این فقها دارای ولایت هستند یعنی اینجا بحث حد را دلیل بر ولایت آن‌ها می‌گیریم نه اینکه چون آن‌ها ولایت دارند باید حد را اجرا کنند. دلیل رویکرد اول این است که این حدود باید اجرا شود و صاحب اقتدار باید اجرا کند، صاحب اقتدار هم حکومت مشروع است و حاکم مشروع هم طبق ادله دیگر فقیه است، لذا فقیه باید اجرا کند.

1. ـ الکافی (ط - الإسلامیة)؛ ج 1، ص: 58. [↑](#footnote-ref-1)